

بررسی مقایسه‌ای میزان شایستگی مهارت‌های تدریس اساتید دانشگاه‌های پیام‌نور استان اصفهان به منظور برنامه‌ریزی ارتقاء کیفیت آموزشی^۱ مینو طباطبایی^۱

۱- دکترای تخصصی استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه پیام نور

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای میزان شایستگی مهارت‌های تدریس اساتید دانشگاه‌های پیام نور استان اصفهان به منظور برنامه‌ریزی ارتقاء کیفیت آموزشی به روش توصیفی-پیمایشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش را اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور استان اصفهان در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ تشکیل دادند که تعداد ۱۷۵ نفر از اساتید و ۵۰۰ نفر از دانشجویان با روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته با ۲۲ گویه می‌باشد. در پژوهش حاضر روایی صوری پرسشنامه با استفاده از اعضای جامعه آماری و روایی محتوایی پرسشنامه نیز توسط برخی از اساتید دانشگاه پیام نور مورد تأیید قرار گرفت. ضریب پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری ppss (آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون t دو گروه مستقل و آنالیز واریانس) استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که مرتبه علمی، گذراندن دوره‌های آموزشی و سابقه خدمت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تأثیرگذار می‌باشد ولی رشته تحصیلی و جنسیت با مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تأثیرگذار نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: اساتید، جنسیت، رشته تحصیلی، سابقه خدمت، محل اخذ مدرک تحصیلی، گذراندن دوره‌های آموزشی

۱. این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی است که با حمایت دانشگاه پیام نور استان اصفهان انجام شده است.

مقدمه

یونسکو (۲۰۰۸) آموزش را کلید توسعه جوامع و مسیری می‌داند که افراد را برای تحقق توانایی‌ها و افزایش کنترل بر تصمیم‌های اثرگذار بر آن‌ها توانمند می‌سازد (شاه محمدی، ۱۳۹۳) و نظام آموزش عالی گرانهاترین منبعی است که هر جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد و دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی به لحاظ دانش، اعتبار زیادی کسب کرده‌اند و پویندگان راه علم و ترقی محسوب می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۴).

موضوع کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور در سال‌های اخیر مورد بحث بسیاری از صاحب‌نظران عرصه آموزش و پژوهش کشور بوده است. از آنجا که رسالت اصلی این مراکز، تربیت نیروهای متخصص و متعهد برای خدمت به کشور می‌باشد، بی‌شک توجه به کیفیت آموزش ارائه شده در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، که اثرات آن بطور مستقیم در کارآیی دانش‌آموختگان این مراکز قابل مشاهده است، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در دهه اخیر با توجه به تقاضای رو به رشد جمعیت جوان جامعه برای ورود به دانشگاه‌ها و کسب مدارک دانشگاهی، و همچنین رشد کمی قابل توجه در پذیرش دانشجو و همچنین تأسیس مراکز دانشگاهی با مجوز پذیرش دانشجو، بویژه مراکز غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور، افراد زیادی وارد دانشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی شدند. برای پاسخ به این تقاضا بسیاری از مراکز آموزش عالی بدون داشتن حداقل‌های لازم و استانداردهای مربوطه، مانند برخورداری از اساتید متخصص و مجرب در رشته‌های مربوطه و همچنین داشتن آزمایشگاه‌ها و امکانات آموزشی و پژوهشی لازم، اقدام به پذیرش دانشجو نمودند. وزرات علوم نیز در سالیان اخیر با تغییر برخی حداقل‌های لازم و تسهیل شرایط باعث گردید رقابتی ناسالم و ناخوشایند بین مراکز آموزشی کشور در پذیرش دانشجو بوجود آید. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور برای بالاتر بردن آمار کمی خود و بویژه از نظر مالی، برای جذب دانشجو به منظور بالاتر بردن درآمدهای اختصاصی خود اقدام به پذیرش بی‌رویه دانشجو در رشته‌های مختلف نمودند که سبب کاهش کیفیت آموزش در بسیاری از مراکز دانشگاهی و باعث سرخوردگی شدید قشر جوان، با استعداد و علاقه‌مند به رشد علمی گردیده و این خود باعث رونق رخت و سستی در محیط‌های دانشگاهی می‌شود. این در حالی است که موضوع سرقت‌های علمی و سوءاستفاده‌هایی که از مقوله آموزش و پژوهش می‌شود، می‌تواند در وضعیت علمی دانشگاه‌ها تاثیرگذار باشد. در همین راستا، کاهش کیفیت آموزش و ناتوانی وزارت علوم در ارزیابی و کنترل این مقوله باعث شده است دانش‌آموختگان دانشگاهی از کارآیی لازم برخوردار نباشند و دانش‌آموختگان برای جذب شدن در محیط کار، نیاز داشته باشند دوره‌های تخصصی دیگری را نیز بگذرانند (توفیقی، ۱۳۸۸).

از آنجایی که بار اصلی مسئولیت تحقق این رشد برعهده اساتید، است؛ لذا ارزیابی از کیفیت آموزش اساتید به منظور بازنگری و اصلاح آن صورت می‌گیرد؛ در این میان دانشجویان، کارشناسان، کلیه رویه‌ها و فرآیندهای تدریس و آموزش و رویکردهای یادگیری مدنظر قرار می‌گیرد (جوادی و عرب بافرانی، ۱۳۹۳)

بالا رفتن کیفیت آموزش کشور از هر جهت می‌تواند باعث رشد جامعه گردد و نتایج بسیار مثبتی به همراه داشته باشد. اگرچه در کوتاه مدت ممکن است دانشجویان از سختگیری‌های آموزشی احساس ناراحتی نمایند، اما بالاتر رفتن کیفیت آموزش، این قشر عظیم جامعه می‌تواند پس از فارغ‌التحصیلی کارآیی بیشتری داشته باشند و راحتتر جذب محیط کار شوند. این در حالی است که بحران بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها بسیار جدی است و اگر نتوان با بالا بردن کیفیت آموزش دانشگاه‌ها، کارآیی دانش‌آموختگان را بالا برد، جامعه در آینده با یک معضل جدی اجتماعی، یعنی بیکاری افسارگسیخته دانش‌آموختگان دانشگاهی، روبرو خواهد شد.

در همین راستا، وزارت علوم لازم است همانگونه که مدارک صادر شده از خارج کشور را ارزیابی می‌نماید، با دقت به ارزیابی مراکز پذیرش دانشجوی در کشور اهتمام ورزد و از تصویب رشته محل‌ها بدون رعایت استانداردهای لازم خودداری ورزد. همچنین از فعالیت مراکز و مؤسساتی که از حداقل‌های لازم برای پذیرش دانشجو برخوردار نیستند، جلوگیری نماید. با وضع آیین‌نامه‌های دقیق‌تر و سختگیرانه‌تر، و با ارزیابی مدام امکانات دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، باعث ارتقاء کیفیت آموزش کشور گردد (پاک سرشت، ۱۳۸۳).

در بین کلیه وظایفی که آموزش عالی برعهده دارد، می‌توان آموزش یا تدریس را یکی از وظایف اساسی دانست که با سایر وظایف رابطه‌ای تعاملی دارند و در واقع می‌تواند به عنوان زیربنای سایر وظایف دانشگاه‌ها به حساب آید. با توجه به اهمیت تدریس و نقش زیربنایی آن در دستیابی به اهداف آموزشی در حیطه‌های نظری و عملی، تاکید بر تدریس مؤثر به صورتی که بتواند دستیابی به اهداف با اهمیت دانشگاه را فراهم نماید، امری مسلم و بدیهی است. تحقیق در مورد بکارگیری معیارهای تدریس اثربخش در دانشگاه، پیش از هر چیز در یافتن کمبودها و جبران نواقص آموزشی مؤثر است؛ چرا که این امر تصویری نسبتاً جامع از کیفیت آموزشی دانشگاه ارائه می‌دهد و منجر به تقویت نقاط قوت موجود در کیفیت تدریس استادان خواهد شد. (عندلیب و احمدی، ۱۳۸۶)

ابراز نگرانی از افت کیفیت دانشگاه‌ها مساله‌ای است که به تازگی مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها در برخی موارد بدون افزایش متناسب تعداد اعضای هیئت علمی و امکانات آزمایشگاهی و بسترهای لازم نگرانی‌های را بوجود آورده است. دانشگاه پیام نور به دنبال حل بسیاری از این مشکلات بوده و در درجه اول بر ارتقاء سطح

آموزشی اساتید تاکید داد. در این دانشگاه توجه به چگونگی و مهارت‌های تدریس از مسائل مهمی است که در مورد توجه بسیاری از کارشناسان آموزشی قرار گرفته است. به طور کلی، موفقیت هر نظام آموزشی در حد تعیین کننده‌ای به دانش و مهارت‌های حرفه‌ای معلم بستگی دارد. در نظر ژاپنی‌ها شایستگی هر نظام به اندازه شایستگی معلمان آن است، از این رو، می‌توان گفت معلم، مهمترین عضو نظام آموزشی در فرآیند یاددهی - یادگیری، معمار اصلی نظام آموزشی است. لذا، جهان به سرعت دگرگون می‌شود و معلمان نیز باید مانند سایر گروه‌های حرفه‌ای با این واقعیت روبه‌رو شوند که آموزش‌های اولیه آنان در جهان امروز چندان مفید نخواهد بود و آنان باید در سراسر عمر خود دانش خود را روزآمد کنند (دانش پژوه، ۱۳۸۲)

هنگامی که سخن از آموزش به میان می‌آید، مفاهیمی همچون یاددهنده و تدریس به مراتب بیشتر از سایر متغیرهای مربوط نمایان می‌شوند، تا آنجا که حتی عده‌ای تدریس را مترادف با آموزش تلقی کرده‌اند. درباره مفهوم تدریس تعاریف زیادی ارائه شده است. تدریس فرآیندی آگاهانه است که براساس اهداف خاص و بر پایه وضع شناختی فراگیران انجام می‌گیرد و در آنان تغییر ایجاد می‌کند. تدریس نوعی تعامل یا رفتار متقابل بین معلم از یک طرف و فراگیر از طرف دیگر، براساس طراحی منظم و هدف‌دار، جهت ایجاد تغییر در رفتار فراگیر است. آنچه در تدریس حائز اهمیت است کیفیت آن است. تدریس خوب تدریسی است که متناسب با زمینه‌های علمی تعلیم و تربیت و روانشناسی باشد. کیفیت تدریس یکی از عوامل مهم در فرآیند یادگیری است (زابلی و همکاران، ۱۳۹۳).

در واقع تدریس مجموعه مهارت‌هایی را شامل می‌شود که قبل، ضمن و پس از اجرای فرآیند تدریس صورت می‌گیرد و امکان آموزش دانشجو را فراهم می‌نماید. به دانشجو کمک می‌نماید تا براساس شرایط فراهم شده، سبک یادگیری خود و اهداف مورد نظر به یادگیری نائل گردد (بهنام فر، ۱۳۹۲).

تلاش در راستای ارتقای کیفیت تدریس منجر به یادگیری بیشتر و مشارکت بهتر فراگیران در امر یادگیری می‌شود. توجه به کیفیت تدریس اساتید نه تنها موجب بهبود روش‌های تدریس و بررسی الگوهای رفتاری او می‌شود، بلکه بهبود روابط اساتید و فراگیر و در نتیجه، یادگیری بیشتر فراگیران را در پی دارد.

منظور از کیفیت تدریس، درک بهتر مفاهیم و قدرت تحلیل روابط بین آموخته‌ها از جانب دانشجویان است (گارتنر، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر کیفیت تدریس به بررسی موثر بودن فعالیت‌های آموزشی اساتید می‌پردازد و شامل فعالیت‌هایی از قبیل مهارت‌های تدریس، انگیزش و ارتباط موثر با فراگیران، شخصیت و رفتار فرد و توانایی علمی او است (هازاوی و همکاران، ۲۰۱۳).

برای افزایش کیفیت تدریس، باید نقش معلم از مخابره‌کننده اطلاعات به یاریگر فراگیری و راهنما تغییر یابد. این نقش جدید از اهمیت مقام معلم نمی‌کاهد بلکه نیازمند کسب دانش‌ها و مهارت‌های جدید است. فراگیر در چنین محیطی، در فرآیند یادگیری خود مسئولیت بزرگتری را به عهده می‌گیرد؛ چرا که باید بجوید، بیابد، نتیجه بگیرد و دانسته‌های خود را با دیگران شریک شود. معلم حرفه‌ای باید از دانش محتوایی، سبک‌های یادگیری، راهبردهای تدریس و مجموع‌های جدید از ارزش‌های همراه با احترام به تفاوت‌های فردی، همکاری با همکاران و گرفتن بازخورد مداوم از تدریس و قابلیت هدایت و تغییر و ارتباط مؤثر درک عمیق‌تری داشته باشد (شمس، ۱۳۸۴).

در کیفیت تدریس، تدریس و یادگیری به معنای انتقال و تکرار دانش نیست. بلکه کیفیت تدریس ایجاد شرایطی است که هم دانشجویان و هم اساتید فعال هستند و به طور اساسی در ایجاد دانش مشارکت دارند و به عنوان افراد انسانی رشد خواهند کرد. چنین فرآیندی بنابراین باعث تامین نیازهای پیشرفته روحی، هیجانی، اجتماعی، روحانی و ... در دانشجویان خواهد شد. بنابراین اثربخش ساختن کیفیت تدریس، مستلزم تنظیم اهداف روش و چالش‌های منطقی برای یادگیری فراگیران است تدریس، بهبود و تضمین کیفیت آن اساس رویکردها و طرحواره‌هایی است که دانشگاه‌ها آن را در راس برنامه‌های خود قرار می‌دهند. تجارب کشورهای مختلف در این زمینه نشان می‌دهد که به رغم اتخاذ رویکردهای مشابه در بهبود یا تضمین کیفیت تدریس، فرآیند و رویه‌های اجرایی آن به دلیل مفروضه‌های زیربنایی و شرایط خاص محیطی، متفاوت می‌باشد. براین اساس، تعریف شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی کیفیت تدریس در سطح مورد انتظار متضمن شناسایی سطح موجود و سپس بهبود و طراحی سیستم‌هایی برای تضمین کیفیت تدریس است (محمدی خانقاهی و حسین زاده، ۱۳۹۴).

یافته‌های پژوهش فرم‌هینی و همکاران نشان داد که کیفیت تدریس اساتید در کلاس درس به دو عامل تسلط بر مهارت‌های آموزش و دانش تخصصی نیاز دارد. این دو عامل مکمل یکدیگر هستند و اعضای هیات علمی باید مهارت‌های برقراری ارتباط مؤثر، مدیریت رفتار و برقراری جو مثبت را نیز داشته باشند (فراهانی و همکاران، ۲۰۱۲). جوادی و عرب (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ارزیابی کیفیت تدریس از طریق دانشجویان از ضعفها و آسیب‌های جدی رنج می‌برد که می‌بایست مورد بازنگری قرار گیرد.

اساتید به عنوان یکی از مهمترین ارکان آموزش برای بهبود فرآیند آموزشی باید درک درستی از نحوه تدریس خویش داشته باشند و آگاهانه و هدایت شده، افکار و دانش فراگیران را در راستای حل مشکلات جامعه و رشد تفکر انتقادی نسبت به مسایل پیرامونی حساس نمایند (کمبر، ۱۹۹۷).

با توجه به اینکه در نظام آموزشی کشور، ارزشیابی کیفیت تدریس اساتید بخش مهمی از فرآیند ارزشیابی است، شناخت مولفه‌ها و تحلیل روابط میان مولفه‌های مختلف تدریس می‌تواند راهنمایی برای تحلیل بهتر کیفیت تدریس باشد. مراکز آموزشی ملاک‌هایی را برای ارزشیابی معلمان تعیین می‌کنند و بدان وسیله عملکرد آنان را از طریق فرآیندی مدون مورد ارزشیابی قرار می‌دهند. هدف این نوع ارزشیابی‌ها، بهبود نحوه تدریس و ارتقای اثربخشی آن است (زابلی و همکاران، ۱۳۹۳).

عسگری و محبوب مودب (۱۳۸۹) در پژوهش خود بیان کردند که از دید دانشجویان مهمترین ویژگی‌های تدریس اثربخش به ترتیب قدرت برقراری ارتباط، روش تدریس، شخصیت فردی و دانش پژوهی است و بین ویژگی‌های فردی دانشجویان (جنسیت، سن، رشته و مقطع تحصیلی) با دیدگاه آنان در درباره مؤلفه‌های تدریس اثربخش رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج تحقیق خندقی و سیفی (۱۳۹۲) با عنوان توانمندی‌ها و مهارت‌های مؤثر مورد نیاز برای تدریس در دانشگاه نشان داد که مدرسان با فعال شدن در رشد حرفه‌ای، به روز نگهداشتن مهارت‌ها و رویه‌های مدیریت کلاس، روزآمد کردن مهارت‌های تدریس بر مبنای دانش جدید، ارتقای مهارت‌های رهبری و حرفه‌گرایی و افزایش فرصت‌های برقراری ارتباط با دیگران قادر خواهند بود از مزایای رشد حرفه‌ای بهره‌مند شوند.

بنی داوودی (۱۳۹۳) در پژوهشی که به مقایسه ویژگی‌های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز پرداخت اولویت حیطه‌های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان به ترتیب؛ حیطه دانش پژوهی، روش تدریس، قدرت ارتباط و خصوصیات فردی شناسایی شد.

خسروی پور و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی که عامل‌های مؤثر در روشننگری کیفیت تدریس را از دید اعضای هیأت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان مورد بررسی قرار دادند؛ به این نتیجه دست یافتند که مهارت تدریس، مهارت شخصی و ارتباطی و برنامه‌ریزی، در کیفیت تدریس بیشترین سهم را دارند.

پژوهش هوور و همکاران (۱۹۹۴)، نشان داد که کیفیت تدریس اعضای هیأت علمی از دو مجموعه ویژگی‌های فردی و نظام آموزشی و تعامل بین این دو تأثیر می‌پذیرد، بدین معنا که رابطه‌ی مثبت و معناداری بین ویژگی‌های فردی اساتید و کیفیت تدریس آن‌ها مشاهده می‌شود.

آلستون و همکاران (۲۰۰۳)، ضمن مقایسه‌ی دیدگاه آموزشگران رشته‌ی کشاورزی دو ایالت در آمریکا به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای سن، جنس، مدرک تحصیلی، تجربه

تدریس، میزان دسترسی به رایانه و اینترنت در منزل و آموزش ضمن خدمت مدرسان در زمینه فناوری آموزشی با دیدگاه آنان در خصوص فعالیت تدریس مرتبط می‌باشد.

نتایج تحقیقات مارکز (۲۰۰۶) درباره بررسی عوامل موثر بر ویژگی‌های استادان مطلوب صورت گرفته با استفاده از روش تحلیل مسیر مشخص شده است که عوامل آموزشی و سواد اطلاعاتی استادان یکی از مهمترین عوامل موثر بر ویژگی‌های حرفه‌ای استادان تاثیر دارد یافته‌های پژوهش ساکا (۲۰۰۹) با عنوان دیدگاه دانشجویان طرح معلمی در مورد تأثیر تمرین مدرسه‌ای بر توسعه مهارت‌های حرفه‌ای آنان، بیان کرد که برای توسعه مهارت‌های حرفه‌ای آگاهی از روش‌های تدریس در یک مدل آموزشی طراحی شده بسیار ضروری است و دانشجویان طرح معلمی باید بتوانند از ابزار و وسایل آموزشی و کمک آموزشی استفاده کنند. همچنین یافته‌ها نشان داد که آموزش‌های ضمن خدمت و قبل از خدمت در توسعه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان بسیار موثر می‌باشد.

این پژوهش نیز درصدد است به بررسی مقایسه‌ای میزان شایستگی مهارت‌های تدریس اساتید دانشگاه‌های پیام نور استان اصفهان به منظور برنامه‌ریزی ارتقاء کیفیت آموزشی بپردازد. در این پژوهش موارد زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. آیا رشته تحصیلی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟
۲. آیا مرتبه علمی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟
۳. آیا جنسیت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟
۴. آیا گذراندن دوره‌های آموزشی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟
۵. آیا سابقه خدمت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟

روش پژوهش

این تحقیق از حیث هدف کاربردی محسوب می‌شود و از حیث گردآوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته با ۲۲ گویه می‌باشد. در پژوهش حاضر روایی صوری پرسش‌نامه با استفاده از اعضای جامعه آماری و روایی محتوایی پرسش‌نامه نیز

توسط برخی از اساتید دانشگاه پیام نور مورد تایید قرار گرفت. ضریب پایایی پرسش نامه نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) به دست آمد.

جامعه آماری پژوهش دستیاران و اعضای هیات علمی و دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور استان اصفهان در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بودند. جامعه آماری اساتید به تعداد ۳۲۱ نفر (استاد ۴ نفر، دانشیار ۱۲ نفر، استادیار ۱۲۵ نفر و دستیار علمی ۱۸۰ نفر) بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس تعداد ۱۷۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای انتخاب تعداد دانشجویان نیز، به علت بزرگ بودن جامعه آماری تعداد ۵۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS (آزمون T تک نمونه‌ای، آزمون t دو گروه مستقل و آنالیز واریانس) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

سوال اول: آیا رشته تحصیلی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟

جدول (۱) آزمون t مستقل مربوط به سوال اول

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	معناداری
بین گروهی	۵۵۰,۴۱۶	۲	۲۷۵,۲۰۸	۱,۹۰۴	۰,۱۵۲
درون گروهی	۲۴۸۵۶,۵۳۳	۱۷۲	۱۴۴,۵۱۵		
کل	۲۵۴۰۶,۹۴۹	۱۷۴			

با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده می‌گردد که سطح معناداری بزرگتر از ۵ درصد است. لذا تفاوت آماری معناداری بر حسب رشته تحصیلی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت رشته تحصیلی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار نیست.

سوال دوم: آیا مرتبه علمی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟

جدول (۲) آزمون t مستقل مربوط به سوال دوم

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	معناداری
بین گروهی	۲۳۷۴۶,۳۹۱	۲	۱۱۸۷۳,۱۹۶	۴۶,۳۶۱	۰,۰۰۰
درون گروهی	۴۴۰۴۹,۷۴۶	۱۷۲	۲۵۶,۱۰۳		
کل	۶۷۷۹۶,۱۳۷	۱۷۴			

توجه به نتایج بدست آمده مشاهده می‌گردد که سطح معناداری کوچکتر از ۵ درصد است. لذا تفاوت آماری معناداری بر حسب مرتبه علمی وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت مرتبه علمی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است.

سوال سوم: آیا جنسیت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار است؟

جدول (۳) آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به سوال سوم

تفاوت میانگین‌ها	سطح معنی داری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	f
۰,۷۰۴	۰,۷۳۰	۱۷۳	۰,۳-۴۵	۰,۵۸	۰,۲۹۶
۰,۷۰۴	۰,۷۲۷	۹۰,۲۳۲	۰,۳-۵۰		

با توجه به اینکه سطح معنی داری ۰,۷۳۰ می‌باشد که بزرگتر از ۰,۰۵ است لذا تفاوت آماری معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد پس می‌توان گفت جنسیت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار نیست.

سوال چهارم: آیا گذراندن دوره‌های آموزشی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیر گذار است؟

جدول (۴) آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به سوال چهارم

f	سطح معنی داری	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	تفاوت میانگین‌ها	
۱۱,۱۳	۰,۰۰۱	۶,۸۲	۱۷۳	۰,۰۰۰	۱۸,۱۴۴	با فرض برابری واریانس
۷		۴				
		۶,۷۵	۱۵۴,۷	۰,۰۰۰	۱۸,۱۴۴	با فرض عدم برابری واریانس‌ها
		۲	۲۳			

با توجه به اینکه سطح معنی داری ۰/۰۰۰ می‌باشد که بزرگتر از ۰/۰۵ نیست لذا تفاوت آماری معناداری بین کسانی که دوره‌های آموزشی گذرانده‌اند و کسانی که نگذرانده‌اند، وجود دارد پس می‌توان گفت گذراندن دوره‌های آموزشی بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیر گذار است.

سوال پنجم: آیا سابقه خدمت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیر گذار است؟

جدول (۵) آزمون t مستقل مربوط به سوال پنجم

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	مربع میانگین	F	معناداری
بین گروهی	۱۶۵۸۹,۸۳۸	۲	۸۲۹۴,۹	۳۹,۹۶	۰,۰۰۰
درون گروهی	۳۵۷۰۱,۵۹۰	۱۷۲	۲۰۷,۵۶		
کل	۵۲۲۹۱,۴۲۹	۱۷۴			

با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده می‌گردد که سطح معناداری کوچکتر از ۵ درصد است. لذا تفاوت آماری معناداری بر حسب سابقه خدمت وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت سابقه خدمت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیر گذار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تدریس اثربخش، مجموعه رفتارهای یک استاد است که باعث دستیابی به اهداف آموزشی و بهبود بخشیدن به کیفیت آموزش می‌شود. تدریس و هر آنچه در کلاس درس می‌گذرد برای نظام آموزشی مهم است، زیرا میان رفتار استاد و پیشرفت دانشجو ارتباط معناداری وجود دارد. مهمترین ویژگی‌های تدریس، هدفمندی و نظام دار بودن هستند. کیفیت تدریس به عوامل متعددی وابسته است که شناخت هر کدام از این عوامل می‌تواند در بهبود کیفیت تدریس موثر باشد. همچنین تضمین کیفیت یادگیری و یاددهی مستلزم نگاه جدی به تمامی عوامل درگیر با فرآیند یاددهی و یادگیری است. یکی از این عوامل کیفیت تدریس اساتید است.

آموزش در کلاس درس به عناصر زیادی مثل تسلط بر مهارت‌های آموزشی و دانش تخصصی نیاز دارد. دانش تخصصی و مهارت‌های آموزشی مکمل یکدیگرند. اعضای هیأت علمی مؤثر نه تنها باید دارای مهارت‌های تخصصی باشند بلکه باید توانایی ارائه درس، سازماندهی و ارزیابی را نیز داشته باشند. تسلط استاد بر جنبه‌های مهارت‌های حرفه‌ای تدریس، دانش پژوهی، قدرت ارتباط و ارزشیابی می‌تواند از خصوصیات یک تدریس اثربخش باشد. در جنبه دانش پژوهی؛ ویژگی‌های علم و دانش و ارائه مطالب نو، در جنبه مهارت‌های حرفه‌ای تدریس؛ ویژگی‌های انتقال شفاف و واضح مطالب و نیز آماده‌سازی کلاس برای تفکر و بحث، سازماندهی، توالی و تنظیم مطالب، در جنبه قدرت ارتباط؛ ویژگی‌های ایجاد مشارکت دانشجو در مباحث و ارتباط دوستانه با دانشجو، و در جنبه ارزشیابی؛ ویژگی‌های مطلوبیت شیوه سنجش و ارزیابی، قضاوت درست و رعایت اعتدال بعنوان مهمترین شاخص‌های تدریس اثربخش شناخته شده است. بکارگیری مؤلفه‌های تدریس اثربخش در دانشگاه، پیش از هر چیز در یافتن کمبودها و جبران نواقص آموزشی مؤثر است؛ چرا که این امر تصویری نسبتاً جامع از کیفیت آموزشی دانشگاه ارائه می‌دهد و منجر به تقویت نقاط قوت موجود در کیفیت تدریس استادان خواهد شد. در کیفیت تدریس، تدریس و یادگیری به معنای انتقال و تکرار دانش نیست. بلکه کیفیت تدریس ایجاد شرایطی است که هم دانشجویان و هم اساتید فعال هستند و به طور اساسی در ایجاد دانش مشارکت دارند و به عنوان افراد انسانی رشد خواهند کرد. چنین فرآیندی بنابراین باعث تامین نیازهای پیشرفته روحی، هیجانی، اجتماعی، روحانی و ... در دانشجویان خواهد شد.

هر قدر مدرس از نظر علمی در زمینه بحث مورد تدریس توانمند باشد بعلت وسعت اطلاعات، توجه فراگیران را به سهولت به سوی خود جلب می‌کند و یک ارتباط مؤثر بین مدرس و فراگیرانش برقرار می‌شود. برقراری ارتباط خوب و جهت‌دار میان مدرس و فراگیران در ایجاد علاقمندی و سازش بهتر و کاهش تنش‌ها و مشکلات در کلاس درس تاثیر بسزایی

دارد زیرا مدرسی که علاقمند به توسعه ارتباط با فراگیرندگان خود می‌باشد، علاوه بر آنکه گوینده خوب و فعالی در کلاس درس است، شنونده خوبی نیز هست و بدین ترتیب ارتباط را دوطرفه و پایدار می‌کند. رفتار مدرس در قبال دانشجویان تا حدود زیادی سازنده جوی است که می‌تواند یادگیری را دلنشین و آسان یا به عکس، آن را خسته‌کننده و دشوار سازد. بنابراین، صمیمیت مدرس، رفتار گرم و احترامی که برای شخصیت دانشجو قایل می‌شود، می‌تواند تدریس را مؤثرتر سازد.

در این پژوهش سعی شده است تا مقایسه‌ای بین مهارت‌های تدریس اعضای هیئت علمی با توجه به متغیرهایی نظیر، رشته تحصیلی، مرتبه علمی، سابقه تدریس، جنسیت، گذراندن یا نگذراندن دوره‌های آموزشی انجام گیرد. همان طور که یافته‌های پژوهش نشان دادند؛ رشته تحصیلی و جنسیت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار نمی‌باشند ولی مرتبه علمی، گذراندن دوره‌های آموزشی و سابقه خدمت بر مهارت‌های تدریس (پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس) تاثیرگذار می‌باشند. با توجه به نتایج تحقیق و نتایج حاصل از سوالات تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت
- ارتقا سطح علمی اساتید
- به کارگیری اساتید با تجربه‌تر برای دانشجویان مقاطع بالاتر
- اساتید منتخب، برای به اشتراک گذاری تجربه‌ها و راهکارهای عملی بهبود اثربخشی تدریس تشویق گردند.
- مدیران و مسئولین دانشگاه در ارزشیابی عملکرد و ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی توجه ویژه نمایند.
- شاخص‌های تدریس اثربخش بطور شفاف به اساتید و اعضای هیئت علمی ابلاغ شود.
- جهت آشنایی اساتید با شیوه‌های تدریس اثربخش کارگاه‌های آموزشی برگزار شود.
- منابع درسی و محتوای دروس، متناسب با علایق و نیازهای دانشجویان در نظر گرفته شود.
- جهت آشنایی اعضای هیئت علمی با راهبردها، روش‌ها و فنون ارزشیابی متنوع دانشجویان کارگاه‌های آموزشی برگزار گردد.

منابع و مآخذ:

۱. بهنام فر، ر (۱۳۹۲). فن بیان در تدریس؛ عنصر فراموش شده، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۶۲۳-۶۲۵
۲. پاک سرشت.م. (۱۳۸۳). کاوشی درباره روش تدریس در دانشگاه، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۱ (۴): ۱۵۵-۱۷۴.
۳. توفیقی. ج. (۱۳۸۸). ضرورت ارتقای کیفیت در آموزش عالی ایران، مجله صنعت و دانشگاه، ۲(۵): ۵-۱۰
۴. جوادی.ع، عرب بافرانی.م. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روش‌های ارزیابی کیفیت تدریس اساتید از طریق دانشجویان با رویکرد بومی، اولین کنفرانس ملی ارزیابی کیفیت در نظام‌های دانشگاهی تهران، دانشگاه صنعتی شریف
۵. دانش پژوه، ز. ارزشیابی مهارت‌های حرفه‌ای معلمان علوم و ریاضی در دوره راهنمایی و ارایه روش‌های ارتقای کیفی آن. موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
۶. زابلی. ر، مالمون. ز، حسنی، م. (۱۳۹۳). ارتباط بین عوامل موثر بر کیفیت تدریس اساتید، دو ماهنامه راهبردی آموزش در علوم پزشکی، ۷(۵): ۳۲۱-۳۱۶.
۷. سبحانی نژاد. م، زمانی منش. ح. (۱۳۹۱). شناسایی ابعاد معلم اثربخش و اعتبارسنجی مولفه‌های آن توسط دبیران دوره متوسطه شهر یاسوج، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی.
۸. شاه محمدی. ن. (۱۳۹۳). صلاحیت‌ها و شایستگی‌های آموزگار عصر حاضر، رشد آموزش ابتدایی، ۱۸ (۱): ۸-۱۳
۹. شمس. م. ش. (۱۳۸۴). فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در عرصه آموزش معلمان، کمیسیون ملی یونسکو.
۱۰. عندلیب، ب و احمدی، غ. (۱۳۸۶). میزان به کارگیری معیارهای تدریس اثربخش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان از نظر دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶، دانش و پژوهش علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ۱۵: ۶۷-۸۲
۱۱. محمدی، م. (۱۳۹۴). ارائه مدل برای تدریس اثربخش در دانشگاه تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر
۱۲. محمدی خانقاهی. م، حسین زاده. ا. (۱۳۹۴). تدوین و اعتباریابی مدل تدریس اثربخش برای اساتید دانشگاه تبریز، نشریه علمی- پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۸(۳۱): ۷۷-۹۱

۱۳. Baron RB, Davis NL, Davis DA, Headrick LA.(۲۰۱۴). Teaching for Quality Where Do We Go From Here?. Am J Med Qual.;۲۹(۳):۲۵۶-۸.
۱۴. Gaertner H.(۲۰۱۴). Effects of student feedback as a method of self-evaluating the quality of teaching. Stud Educ Eval. ۴۲:۹۱-۹.
۱۵. Hazaveie S.M, Golmohamadi R, Motahari M, Miresmaile A.F.(۲۰۱۳). The role of law and ethics in educational quality. Iran J Med Ethics History., ۵(۲), ۰-۸۳.
۱۶. Kember D.(۱۹۹۷). A reconceptualisation of the research into university academics' conceptions of teaching. Learning and instruction. ,۷(۳), ۲۵۵-۲۷۵.
۱۷. Nasca TJ, Weiss KB, Bagian JP. (۲۰۱۴).Improving clinical learning environments for tomorrow's physicians. New England J Med.;۳۷۰(۱۱):۹۹۱-۳.
۱۸. Raoufi S, Seikhian A, Ebrahimzade F, Tarahi M, Ahmadi P.(۲۰۱۴). Designing a novel sheet to evaluate theoretical Teaching quality of faculty members based on viewpoints of stakeholders and charles E. Glassick's scholarship principles. Hormozgan Med J, ۱۴(۳), ۱۶۷-۷۶